

ناصر باقری بیدهندی



مرحوم آیت الله حاج آقا حسین خادمی اصفهانی

خانواده و نیاکان وی

آیت الله خادمی در خانواده‌ای پا به عرصه وجود گذاشت که سابقه علمی دیرینه‌ای دارد و اکثر رجال آن از بزرگان و مراجع تقلید و یا مشایخ اجازه‌روایی و یا از مؤلفان علوم اسلامی در رشته‌های مختلف آن بوده‌اند؛ از این رو شخصیت مورد بحث ما طبعاً چنان بار آمد که وارث مفاخر علمی و اخلاقی و... نیاکان خود گردید.

این خاندان از ذریه سید صدرالدین محمد موسوی عاملی (م ۱۲۶۳ ق) بوده و با آل شرف‌الدین نسب مشترکی دارند که نسبشان به حضرت امام موسی کاظم (ع) می‌رسد. این دو خاندان علمی ایران و عراق و شخصیت‌های منسوب به آنها در اکثر کتب تراجم مورد توجه شدیدی قرار گرفته‌اند تا آنجا که برخی از ترجمه‌نگاران در رابطه با بعضی از نخبگان این دو خاندان کتابهای مستقلی نوشته‌اند.^۱

ولادت و تحصیل

آیه الله خادمی روز جمعه سوم شعبان سال ۱۳۱۹ هجری قمری در شهر اصفهان در خانواده‌ای مشهور به علم و تقوی چشم به جهان گشود، در کودکی پدرش را از دست داد و مادرش تربیت و اداره زندگی او را بعهده گرفت. پدرش آقا سید جعفر خادم الشریعه یکی از علمای فاضل و مشهور به تقوا بود که در سال ۱۳۲۴ ق چشم از جهان فرو بسته و در قبرستان تخت فولاد اصفهان بخاک سپرده شد. و مادرش دختر مرحوم حاج میرزا فضل الله صدر

۱ - به عنوان نمونه کتابهای زیر را می‌توان نام برد:

۱ - بغية الراغبين من آل شرف الدين، تأليف علامة مجاهد سيد عبد الحسين شرف الدين؛ ۲ - زندگی و مبارزات امام موسی صدر و سید محمد باقر صدر نوشته علی علمی اردبیلی؛ ۳ - قصائد فی رثاء حسین العصر آیه الله العظمی الشهدید السعید السید محمد باقر صدر؛ ۴ - الشاهد الشهدید به قلم ع نجف؛ ۵ - یادواره شهید آیت الله سید محمد باقر صدر، انتشارات ناصر، قم؛ ۶ - شرف الدین از استاد محمد رضا حکیمی؛ ۷ - حیاة الامام شرف الدین فی سطور از شیخ محمد قیسی.

الشریعه فرزند میرزا نصر ملباشی بوده است.

معظم له تحصیلات ابتدائی خود را در اصفهان شروع کرد و از محضر اساتید بزرگ آن شهر علوم مقدماتی را فرا گرفت که از جمله آنها می‌توان اساتید ذیل را نام برد:

۱ - آقا میرزا احمد مدرس؛

۲ - مولی عبدالکریم گزی (م ۱۳۳۹ هـ . ق) استاد جلال الدین همائی درباره

ایشان می‌گوید: براستی شیخ بهائی عصر خود بود و مرجعیت تامه قضا و فتوا داشت؛

۳ - حاج میر محمد صادق یزدآبادی، مدرس خاتون آبادی؛

۴ - آقا شیخ علی مدرس یزدی؛

۵ - حاج میر سیدعلی مجتهد نجف آبادی؛

۶ - آقا سید میرزا اردستانی؛

۷ - آقا سید محمد نجف آبادی.

مرحوم خادمی نزد نامبردگان و چند نفر دیگر از علمای اصفهان تا قسمتی از درس خارج را خواند و آنگاه به منظور تکمیل تحصیلات خود راه نجف اشرف را در پیش گرفت و در آنجا از حوزه‌های اساتیدی همچون آیات عظام:

میرزا محمد حسین نائینی (م ۱۳۵۵) علم اصول و از آقا ضیاء الدین عراقی

(م ۱۳۶۱) و آقا سید ابوالحسن اصفهانی (م ۱۳۶۵) فقه و اصول، و از آیت الله سید ابوتراب

خوانساری (م ۱۳۴۶) رجال و درایه و از آیت الله مجاهد شیخ محمد جواد بلاغی (م ۱۳۵۲)

کلام و ملل و نحل را فرا گرفت.

با استعداد سرشار و حافظه قوی و پشتکار فوق العاده‌ای که داشت در سن ۲۶

سالگی به مقام رفیع اجتهاد نائل گشت و با اخذ اجازات اجتهاد و روایت از اساطین حوزه

نجف به اصفهان مراجعت فرمود و بلافاصله در آنجا شروع به تدریس خارج فقه و اصول و

اقامه جماعت و سایر وظایف روحانیت کرد. او چه در هنگام تحصیل و چه بعد از آن

اهمیت فوق العاده‌ای به درس و مطالعه می‌داد و برای تربیت شاگرد و نشر علم، بذل توجه

خاصی از خود نشان می‌داد. در شبهای تحصیل هرگز به جانی نمی‌رفت و تا اواخر شب به

مطالعه و تحقیق می‌پرداخت. او چنانکه بارها فرموده بود عقیده داشت: «طلبه تا به درس

مشغول نشده تحصیل علم برایش واجب کفائی است ولی پس از شروع بدان واجب عینی

می‌شود».

روشی که برای نیل به مقام تحقیق به شاگردان توصیه می‌فرمود این بود که: «طلبه

باید بیش از آنچه از استاد و کتاب فرا می‌گیرد به تفکر پیرامون مسائل فرا گرفته و زیرورو کردن آنها بپردازد زیرا اجتهاد، تنها با خواندن حاصل نمی‌شود بلکه تقویت بنیه فکری نیز لازم دارد».

در مواردی به عنوان نصیحت، کوششها و پشتکار و مطالعه و دقت خویش را در زمان تحصیل در نجف به طلاب گوش زد می‌فرمود. از آن جمله اینکه:

شبی خواستم برای شام آبگوشت درست کنم، گوشت و دیگر لوازم را در قابلمه قرار داده و روی چراغ گذاشتم سپس شروع به مطالعه کردم و چنان غرق تفکر و مطالعه شدم که فکر غذا و گرسنگی را بکلی فراموش کردم وقتی بخود آمدم که بوی سوختگی غذا فضای حجره را پر کرده و صدای تق تق نخوندها و استخوانها بگوشم می‌رسید.

معظم له حدود ۳۵ سال در حوزه اصفهان اصول و فقه تدریس می‌کرد و به تدریس تفسیر قرآن و اصول عقاید و رجال نیز توجه شایانی مبذول می‌داشت.

هم بحثان او

ایشان با بزرگانی همچون آیات عظام: میلانی، علامه طباطبائی، شیخ محمدعلی کاظمی خراسانی، سیدعبدالحسین طیب (صاحب تفسیر اطبیب البیان)، حاج شیخ محمدرضا جرقویه‌ای و آقا سیدعلی اصغر برازانی و آیت الله العظمی خوئی هم بحث بوده است. نتیجه آن بحثها رساله‌هایی است که بین آنها رد و بدل شده است. از آن جمله رساله‌ای به خط ایشان در مورد عدم ارث زوجه از عقار است که نزد فرزندان مرحوم آیت الله میلانی بوده و رساله‌ای در تنجز علم اجمالی از مرحوم آیت الله میلانی که نزد ایشان بوده است.

مشایخ اجازه اجتهاد

آیت الله فقید در سنین جوانی به درجه رفیعه اجتهاد نائل آمده و از بزرگان و اعظام علمای نجف اجازه اجتهاد دریافت کرده است که ذیلاً از آنان نام می‌بریم:

۱- آیت الله حاج شیخ محمد حسین غروی نائینی؛

۲- آیت الله آقا ضیاء الدین عراقی؛

۳- آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی؛

۴ - آیت الله شیخ محمد کاظم شیرازی (م ۱۳۶۶ق)؛

۵ - آیت الله سید ابراهیم حسینی شیرازی مشهور به میرزا آقا (م ۱۳۷۹ق).

برخی دیگر از علمای بزرگ آن دوران ایشان را دارای ملکه اجتهاد و از متقین و عدول علما می دانسته اند که از آن جمله آیت الله محمدعلی شریف اصفهانی را می توان نام برد.

مشایخ اجازه رویی

معظم له از بزرگان و حدیث شناسان معروف زمان خود همچون آیت الله سید ابراهیم حسینی شیرازی مشهور به میرزا آقا اصطهباناتی اجازه روایت گرفت.

فعالیت های ایشان در حوزه اصفهان

فقید سعید پس از بازگشت از نجف اشرف با تمام نیرو برای سروسامان دادن به حوزه اصفهان که مدتی بود رونق دیرین خود را از دست داده بود، همت گماشت و در نتیجه عنایات فوق العاده او بار دیگر آن حوزه علمی کهن، شکوفایی از دست رفته خود را بازیافت. طبیعی است که ایشان در طول فعالیت های علمی و خستگی ناپذیر خود شاگردان برجسته و ممتازی را به جامعه تحویل داده و تعداد زیادی از علماء اصفهان و شهرهای نزدیک آن از شاگردان آن مرحوم هستند.

تالیفات ایشان

آیت الله خادمی آثار پر مایه و گرانبهائی از خود بیادگار گذاشته اند که اکثر آنها هنوز به طبع نرسیده است. اینک ما به معرفی فهرست آنها می پردازیم:

- ۱ - تقریرات فقه مرحوم نائینی در صوم و صلوات،
- ۲ - تقریرات اصول از ابتدای مباحث الفاظ تا آخر معنای حرفی و از خاتمه براثت تا آخر تراجم،

۳ - حاشیه بر طهارت و صلوات حاج آقا رضا همدانی،

۴ - رساله ای در لباس مشکوک تا قواطع صلوات،

۵ - رساله ای در عدم شمول حق الارث زوجه بر غیر منقول،

۶ - حواشی به کتب اصول،

۷ - رهبر سعادت یا دین محمد (ص) در ۲ جلد که چاپ شده است.

حضرت حجت الاسلام والمسلمین شیخ احمد قیاض درباره ایشان نوشته اند: «برای شناخت حضرت آیت الله حاجی آقا حسین خادمی (رحمة الله علیه) لازم است علماء اعلام و حجج اسلام به کتاب «رهبر سعادت» در اثبات نبوت مراجعه نمایند و عمق علمی ایشان را دریابند و انصافاً کتابی در جامعیت مطالب علمی و دینی با اختصار مانند آن کتاب نیست».

علاوه بر این تلاشهای علمی گرانبها، پاره ای از کتابهای مفید نیز به درخواست وی از عربی به فارسی ترجمه شده است. از آن جمله ترجمه فارسی «نصایح الهدی» از علامه مجاهد و مفسر عالیقدر شیخ محمد جواد بلاغی را می توان نام برد که توسط شادروان آیت الله فانی در سال ۱۳۶۹ ق ترجمه و در دارالتبلیغ اسلام اصفهان بچاپ رسیده است.^۱

خدمات فرهنگی و عمرانی آن مرحوم

معظم له صدقات جاریه و آثار حسنه ای نیز از خود به یادگار گذاشته است که ذیلاً به پاره ای از آنها اشاره می شود:

الف - مؤسسه احمدیه که مشتمل بر یک دبیرستان و یک کتابخانه است. جلسات تفسیر قرآن و عقاید و پرسش و پاسخ، دعوت از شخصیتهای ایرانی و خارجی جهت سخنرانی، جذب نیروهای جوان و انقلابی و آموزش و پرورش آنها و اعزام مبلغین اسلامی به قراء و قصبات، از برنامه های این مؤسسه است.

ب - بیمارستان خیریه امام حسن عسگری (ع) معروف به «عسگریه»،

ج - انجمن خیریه مددکاری امام زمان (ع)،

د - انجمن خیریه «صادقیه» که سرپرستی معلولین و از کار افتادگان را به عهده

دارد،

ه - بازسازی مدرسه عربها که چون اتمام آن مصادف با رحلت معظم له بود به نام

آن مرحوم، مدرسه آیت الله خادمی، نامگذاری شد،^۲

و - مسجد رسولیها در اصفهان و مسجدی در جزیره قشم و هرماز جمله مساجدی

۱ - رک مجله مشکوه، شماره ۱، پائیز ۱۳۶۱، ص ۱۲۱، مقاله استاد رضا استادی.

۲ - کتاب آشنائی با حوزه های علمیه شیعه.

هستند که به دستور ایشان بنا یا مرمت شده است،
ز - تأسیس کتابخانه هائی از قبیل کتابخانه مدرسه ملاعبدالله، کتابخانه ای در
مسجد حاج رسولیها (آیت... خادمی) و کتابخانه مؤسسه احمدیه.
ضمناً در کتابخانه شخصی ایشان کتابهای خطی نفیس و منحصر به فرد زیادی
وجود دارد که شایسته است فهرستی از آنها تهیه و در معرض اطلاع محققان قرار داده شود.

اقدامات سیاسی

فعالتهای سیاسی مرحوم آیت الله خادمی از زمانی آغاز شد که رضا شاه اقدام به
کشف حجاب کرد و لباسها را متحدالشکل نمود و از برگزاری مراسم عزاداری حضرت
سیدالشهداء اباعبدالله الحسین (ع) جلوگیری کرد. مرحوم خادمی در مقابل این اقدامات با
شجاعت قابل تحسینی قد برافراشت و علیه رضاخان و اقدامات او سخنرانیها کرد و آشکارا با
وی به مبارزه برخاست. در جریان ملی شدن صنعت نفت نیز با آیت الله کاشانی همکاری
نمود و با شهید نواب صفوی و رهبران فدائیان اسلام ارتباط نزدیک داشت. پس از رضاخان،
هنگامیکه پسرش زمام امور را بدست گرفت، مرحوم آیت الله خادمی همراه جمعی از علمای
مجاهد و آگاه اصفهان هیئت علمیه ای تشکیل داد و با اجتماع خود در هر روز پنجشنبه، مسائل
و رویدادهای هفته را بررسی و در مقابل آن موضع صحیحی اتخاذ می کردند. زمانی که
بزرگ رهبر انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی امام خمینی (قده) پرچم مقدس
اسلام را برافراشت و به منظور سرنگونی طاغوت و برقراری نظام عدل اسلامی قد علم کرد،
مرحوم خادمی ضمن معرفی بیشتر امام و اهداف والای ایشان، مردم را برای شرکت در
راهپیمائیهای عظیم روزهای عاشورای سال های ۴۰، ۴۱ و ۴۲ - که صولت رژیم حاکم را
شکست - دعوت فرمود و خود شخصاً همچون دیگر روحانیون مبارز، پیشاپیش مردم براه
افتاد و در هیچ فرصتی از حمایت خود از امام امت و انقلابیون فروگذاری نکرد. در سال ۴۲،
هنگامی که امام توسط رژیم دستگیر و به تهران اعزام شد، مرحوم آیت الله خادمی از علمائی
بود که به ابتکار حضرت آیت الله میلانی در تهران پیرامون مرجعیت امام سخن گفتند و این
امر باعث مصونیت معظم له در مقابل اقدامات ضد بشری ساواک شاه گردید.

علاوه بر این، بارها و بارها گاهی تنها و گاهی همراه دیگر علما و مردم اصفهان
حمایت بیدریغ خود را از امام امت و نهضت اسلامی اعلام می داشت، به طوری که در
دوران تبعید رهبر انقلاب، آیت الله خادمی ملجأ و مرجع انقلابیون و زندانیان و تبعیدیان و

خانواده‌های آنان بود و همواره آنان را از نظر روحی تقویت و تشویق به مقاومت می‌کرد و به آنان کمک‌های مالی می‌نمود. در دوران اوج گیری انقلاب و شروع اعتراضات همگانی علیه شاه و حکومت او، اعلامیه‌های روشنگرانه‌ای از طرف ایشان منتشر می‌شد و معظم له حتی اجازه سهم مبارک امام (ع) را برای تبلیغات ضد حکومت داده بودند و در این راستا هنگامی که بازاریان و کسبه کم بنیه که به عنوان اعتراض به اقدامات رژیم و حمایت از انقلاب در حال اعتصاب بسر می‌بردند، کمک‌های بسیاری از طرف این مبارز سالخورده و دیگر علمای مجاهد به آنان می‌شد.

در پنجم ماه رمضان سال ۵۷ که خانه معظم له توسط مأمورین رژیم تحت محاصره قرار گرفت و عده‌ای نزدیک منزل ایشان به شهادت رسیدند، آن مرحوم برخلاف انتظار مقامات حکومتی، هرگز خود را نباخت و مردم را به استقامت و پایداری بیشتر و ادامه مبارزه دعوت کرد. در گزارشی که روزنامه لوموند در زمان حکومت بختیار در این رابطه منتشر کرد، خبرنگار می‌گوید: «یکی از رهبران جبهه ملی آهسته به من گفت: آیت‌الله یک سیاستمدار پیر کارکشته است. او یکی از فعالترین... بود و در طول سی سال گذشته، قدرت او همچنان افزایش یافته است و امروزه رهبر واقعی شهر است»

رژیم پهلوی در قبال تلاش‌های بی‌وقفه آیت‌الله خادمی که از نظر مأمورین ساواک مخفی نبود و کنش نشان داد؛ برای اینکه آیت‌الله نتواند به وسیله نامه‌های سرّی خود اوضاع شهر را به اطلاع امام برساند سپهبد مقدم به ساواک اصفهان دستور داد نامه‌های ایشان را به مدت شش ماه شدیداً زیر نظر بگیرند. سرهنگ صدقی، رئیس وقت ساواک اصفهان، نیز در سال ۴۲ از تهران می‌خواهد که به منظور عبرت دیگران، با بازداشت و زندانی کردن آیت‌الله برای حداقل چند ماه موافقت نمایند. و در تاریخ ۵۳/۲/۷ سپهبد مقدم از ساواک اصفهان می‌خواهد: «دستور فرمائید حسین خادمی که گرداننده اصلی می‌باشد دستگیر و به تهران اعزام و خلاصه سوابق وی به انضمام صورت جلسه بازرسی منزل و بدنی وی نیز ارسال گردد». و برای آخرین بار سرهنگ نقوی به رئیس ساواک وقت اصفهان گزارش می‌دهد و راجع به آقای خادمی چنین می‌نویسد: «نه حق است و نه عدالت که او از هرگونه تعقیبی مصون باشد... بنابراین باید دستگیر و به کیفر اعمال خود برسد».

پس از پیروزی انقلاب، آیت‌الله خادمی آرمان‌های امام امت را دنبال کرده و بارها مورد الطاف خاص ایشان قرار گرفت. وی در انتخابات مجلس خبرگان، در دوره‌های اول و

دوم، به عنوان نماینده استان اصفهان انتخاب و یکی از وزنه‌های آن مجلس محسوب می‌شد. در پشتیبانی از جبهه‌های جنگ حق بر علیه باطل نیز آیت الله خادمی کوشش‌های خستگی‌ناپذیری از خود نشان داد و همچون سدی در مقابل تندرویه‌های گروهک‌های منحرف و خطوط انحرافی کژاندیشان ایستادگی کرد.

ملکات فاضله و اخلاق حسنه

تواضع

کسانی که با آیت الله خادمی در تماس بودند می‌دانند که معظم له در برخورد با مردم بسیار فروتن و متواضع بود. آنهایی که او را به طور خصوصی ملاقات می‌کردند بگرمی می‌پذیرفت و گاهی با مزاح‌های شیرین و مناسب آنان را مسرور می‌کرد و بدین وسیله به آنان اجازه می‌داد تا مطالب خود را آزادانه مطرح کنند. به طوری که پس از انقلاب و زمانی که گروهک‌های منحرف بزرگان مملکتی را شهید می‌کردند و آنان بناچار زیر پوشش حفاظتی قرار گرفتند آیت الله از اینکه مثل گذشته دیگر نمی‌تواند با مردم به طور عادی در تماس باشد ناراحت بود.

ساده زیستی

زندگی ایشان معمولی و بلکه زاهدانه بود. گرچه دائماً مبتلا به پا درد بودند، لکن تا اوائل انقلاب وسیله نقلیه‌ای نداشتند و نمی‌خواستند جهت تهیه آن از سهم مبارک امام (ع) استفاده کنند. تا این که یکی از دوستان اتومبیلی به ایشان اهداء کرد. از اسراف و تبذیر پرهیز داشتند و گاهی حواله‌ها و یادداشتهای علمی خود را روی کاغذهای مستعمل می‌نوشتند و در مصرف بیت المال بی اندازه محتاط بوده و از داشتن خدم و حشم و اطرافیان دوری می‌جستند.

در گزارشی که در روزنامه لوموند منتشر شد چنین آمده است:

حکمران واقعی شهر آیت الله خادمی است، یک حکیم نود ساله که بدون کوچکترین مخالفت یا درگیری، حاکمیتش را اجرا می‌نماید. آیت الله خادمی

فرمانهای خود را از محل اقامتش در انتهای یک کوچه بن بست در شرق اصفهان صادر می‌کند، این خانه ارزان قیمت اکنون به ستاد مرکزی انقلاب تبدیل شده است، آیت الله روی زمین در گوشه اتاق نشسته و به یک متکا تکیه داده است. لباس او یک عبای بلند قهوه‌ای رنگ است.^۱

عشق ورزی او به خاندان عصمت

معظم له همچون دیگر بزرگان دینی علاقه مفراطی به ائمه طاهرين و اقامه عزا برای آنها داشت. چنانکه در دوران سلطنت رضا شاه که عزاداری برای امام حسین (ع) ممنوع اعلام شده بود، ایشان در نیمه‌های شب عده‌ای از خواص را دعوت کرده و در منزل به عزاداری سیدالشهداء (ع) می‌پرداختند. و هنگامی که در حرم مطهر امام رضا (ع) مشرف می‌شد ضمن خواندن زیارت جامعه کبیره، روضه حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (ع) را می‌خواند و پس از خواندن نماز زیر آسمان می‌ایستاد و بر فرد فرد ائمه طاهرين (ع) درود می‌فرستاد. این ارتباط معنوی و علاقمندی به ائمه اطهار (ع) باعث شده بود که وی در سخت‌ترین شرایط، بهترین تصمیم‌ها را بگیرد و از صحنه‌های ناگواری که گاهی برایش پیش می‌آمد سلامت خارج شود. اینک به برخی از عنایات الهی که شامل حال ایشان شده اشاره می‌کنیم:

از معظم له نقل شده: « در دوران تحصیل در نجف اشرف، مادرم هر ماه مبلغی به عنوان کمک هزینه برایم می‌فرستاد تا اینکه جنگ بین الملل دوم در گرفت و به علت بهم خوردن امنیت کشور مادرم نتوانست این پول را برایم بفرستد و فشار و تنگدستی چنان مرا در تنگنا قرار داد که بناچار به حرم مطهر امیرالمؤمنین (ع) رفته و مشکل خود را به عرض آن حضرت رساندم. در همین حال مرحوم آیت الله حاج سید ابوالحسن اصفهانی وارد حرم شدند و بعد از زیارت مرقد مطهر پهلوی من نشستند و پس از خواندن نماز یک بسته پول به من دادند. این برنامه تا سه ماه چند بار تکرار شد تا پول ارسالی مادرم از اصفهان رسید و مرحمتی سید هم قطع گردید. این در حالی بود که کسی جز خدا و امیرالمؤمنین (ع) و هم حجره من از جریان تنگدستی من و ارسال پول اطلاع نداشت.»

حضرت آیت الله حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی ایشان را پس از فوت در خواب دید که به وی می‌گوید: «علت اینکه خداوند قبر مرا در جوار حضرت رضا (ع) قرار

۱ - یادواره نهضت اسلامی یا چهره انقلاب اسلامی در اصفهان/ ۱۴۸۴۳۹.

داد پیمانی بود که با حضرت رضا (ع) در مورد اقامه عزا برای مادرش فاطمه زهرا (ع) بسته بودم».

و یکی از وعظ که ایشان را در حال روضه خوانی حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (ع) دیده بود نقل کرد: «درست در همین جا که فعلاً دفن شده‌اند او را دیدم که در میان جمعی نشسته و روضه می‌خواند.»

آقای دکتر فضل الله صلواتی می‌گوید: «آن مرحوم به عزای امام حسین (ع) سخت معتقد و عاشقانه با مولایش سخن می‌گفت و تعمّد داشت که خود نیز ذکر مصیبت کند و بگرید و مردم را برای حسین (ع) بگریانند. در محرم سال گذشته (یک سال قبل از فوت) هنگامی که به مسجد ایشان رفتم از منبر پائین می‌آمدند؛ چون نشستند و من نیز در کنارشان بودم به عنوان اعتراض خدمتشان عرض کردم چرا با این حال خود را اذیت می‌کنید آقایان دیگر که تشریف دارند شما زحمت منبر را به خود ندهید. فرمودند: چند کلمه ذکر مصیبت کردم دلم می‌خواهد در این پایان عمرم مرا جزو ذاکران ابی عبدالله محسوب نمایند»^۱.
و بسیاری از مجتهدان عالی مقام شیعه افتخار می‌کردند که از ذاکرین مصائب اهل بیت عصمت باشند از آن جمله اند:

آیت الله میر سیدعلی یربسی کاشانی (م ۱۳۷۹ق)، آیت الله شیخ جعفر شوشتری، آیت الله آخوند ملاعلی همدانی، آیت الله اشراقی قمی، آیت الله حاج شیخ عبدالحسین امینی تبریزی، آیت الله میرزا محمدعلی شاه آبادی (م ۱۳۶۹ق) آیت الله میرزا ابوالفضل زاهدی قمی، آیت الله میرزا محمد کبیر قمی، آیت الله سید شرف الدین عاملی، آیت الله شیخ محمدباقر بیرجندی صاحب کبریت الاحمر (م ۱۳۵۲ق)، علامه مجلسی، مرحوم فشارکی (صاحب عنوان الکلام)، آیت الله سید مرتضی لنگرودی، مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی، مرحوم میرزا مهدی اصفهانی، مرحوم حاج شیخ علی اکبر نوقانی، شهید آیت الله سید اسدالله مدنی و...
آری ایشان این ارتباط را همواره حفظ کردند؛ به طوری که در حال احتضار که یکی از فرزندانشان دعای عدیله را بالای سر ایشان می‌خواند، همینکه به نام مبارک پیامبر اکرم (ص) رسید حضرت آیت الله با آن حال نزار زیر لب صلوات فرستادند.

اهتمام به نماز جماعت

معظم له مقید بودند نمازهای یومیه را در اول وقت با جماعت برگزار نمایند ولی در

اواخر عمرشان به خاطر کهولت سن و بیماری، نماز صبح را در منزل و به صورت فردی می‌خواندند. یکی از رویه‌های حسنه‌شان این بود که پس از نماز عشاء چند مسأله فقهی برای مردم می‌گفتند و سپس روضه مختصری می‌خواندند. در شبهای پنجشنبه و جمعه نیز به زبان ساده برای مردم اصول عقاید می‌گفتند.

دائم الذکر بودن

معمولاً یک ساعت به اذان صبح مانده از خواب برمی‌خاستند و به نماز شب می‌پرداختند و هر روز چند جزء قرآن را تلاوت می‌کردند و چون مقداری از قرآن را از حفظ داشتند لذا در طول راه هم به تلاوت آن مشغول بودند و در ایام ماه مبارک رمضان گاهی چندین مرتبه قرآن را ختم می‌کردند و به ادعیه و اذکار مأثوره نیز در ماه رمضان اهمیّت خاصی داشتند.

جدیت در امر ارشاد

ایت‌اله خادمی در امر ارشاد جدی بودند. دکتر فضل‌الله صلواتی می‌گوید:

منبرها و سخنرانی‌های مرحوم آیت‌الله خادمی همیشه پر بار و پرمحتوا و مورد قبول همه صاحب‌نظران و علاقمندان بود. در ایام ماه محرم یا صفر و یا ماه مبارک رمضان که در منزل یا مسجد نزدیک منزلشان اقامه عزاداری حضرت اباعبدالله الحسین (ع) می‌نمودند اکثراً خود به منبر می‌رفتند و عالیترین و عمیقترین بحثهای اسلامی را با زبانی عامیانه که زنها و مردهای عامی نیز که پای منبر بودند، تا مجتهدان و فضلائی که حضور داشتند همه مستفید و مستفیض می‌شدند، گاهی تا دو ساعت سخنان ایشان طول می‌کشید.^۱ و باز یکی از بزرگان می‌فرماید:

در سالهایی که در محیط اصقهان فرقه بهائیت فعالیت زیادی داشت آن مرحوم از کسانی بودند که با تمام قوا در مقابل حرکت‌های پوچ تبلیغاتی این حزب سیاسی قیام فرمودند و مردم را با بیانات و دلائل دلنشین منطقی خود نسبت به افکار پوچ بابی‌ها آشنا می‌ساختند. در همان سالها شبی ما از ایشان دعوت

۱ - اطلاعات، ش ۱۷۵۵۳، سه‌شنبه ۲۸ اسفند ۱۳۶۳، ص ۳.

کردیم تا در جلسه ای که به همین منظور در اطراف نجف آباد منعقد شده بود، شرکت نمایند و ایشان پس از حضور در این مجلس به منبر رفتند و آن شب منبرشان بیش از دو ساعت طول کشید که از اول بحث توحید و اعتقاد به خدا تا آخر بحث معاد را با بیانی ساده و مستدل و جالب بیان فرمودند و من هنوز آن منبر ایشان را فراموش نمی‌کنم.

از آنجا که مسئولیت ارشاد و هدایت مردم پس از انبیاء الهی به عهده علمای راستین گذاشته شده است و اجرای آن منحصر به منبر و مسجد نیست، ایشان در هر کجا که مقتضی می‌دید به انجام این مسئولیت اقدام می‌فرمود. از جمله سخنی است که از جناب حجت الاسلام فشارکی شاگرد ایشان نقل می‌کنیم:

آن مرحوم روزی در جلسه ختم یکی از سرشناسان محل که در مسجد خودشان برگزار شده بود شرکت کردند. اتفاقاً پسر متوفی که تازه از اروپا فارغ التحصیل شده و بازگشته بود در کنار ایشان نشست و در گفتگویی که بین آن دور و بدل شده بود سخن به جایی رسیده بود که وجود خدا را انکار کرده بود. آن مرحوم فرمود: «من به او گفتم آیا در کشورهای اروپائی با این همه پیشرفتهای علمی توانسته‌اند وسیله‌ای درست کنند که به کرات و آسمانها رفته و یقین پیدا کرده باشند که خدا وجود ندارد؟ وی گفت: خیر. گفتم در این صورت شما یقین نداری که خدا نیست، گفت: «خیر در حال شک و تردیدم». گفتم پس من شما را از حال شک و تردید بیرون می‌آورم که یقین کنید خدائی برای این جهان هست. او قبول کرد و قرار شد که روزها به خانه من بیاید و من درس توحید و آموزش اعتقادی به او بدهم و نتیجه آن درس، کتاب سوال و جواب پیر و برنا و یا «رهبر سعادت» شد.

با اینکه مقام علمی و مراتب فضل ایشان بر همگان مسلم بود ولی مانع از آن نشد که در زمان طاغوت و دورانیکه امواج توفنده تبلیغات غربی بشدت جوانان ما را از صراط مستقیم منحرف می‌ساخت ایشان با شیوه‌های جدید تبلیغاتی، جوانان را با طرفد غربیها آشنا می‌نمودند چنانچه دکتر صلواتی می‌گوید:

در همان دوران با همه مقام علمی و اجتهاد و تقوایی، ایشان در جلسات انجمنهای اسلامی دانش آموزان و دانشجویان حاضر می‌شدند و برای تشویق و ترغیب جوانها در کنار آنان می‌نشستند و راهنماییهای لازم را می‌فرمودند و در انجمن اسلامی دانشجویان

اصفهان، سالها، روزهای جمعه پس از نماز مغرب و عشا که تقریباً پنهانی در منازل افراد برگزار می‌شد شرکت می‌کردند.

تلاش در جهت رفع مشکلات مادی و معنوی مردم

ایشان توجه خاصی به رفع مشکلات مردم و مراجعین داشتند و ملجأ خوبی برای کلیه اقشار مردم بودند. مثلاً قبل از پیروزی انقلاب و در ایامی که مردم قهرمان اصفهان با بستن مغازه‌های خود و شرکت در اعتصاب، مخالفت خود را با حکومت شاه اعلام داشتند معظم‌له ضمن حمایت کامل از این اقدام در صدد جلب کمک‌های مادی و ارسال آن به اعتصاب‌کنندگان برآمدند. و پس از پیروزی انقلاب هم بیت ایشان مرجع رسیدگی به درخواستها و مظالم مردم بود. مرحوم خادمی در حدود امکانات خود ولو با نوشتن نامه و توصیه، گره از کار مردم می‌گشودند.

دفاع از حوزه دین

آن بزرگوار در طول عمر با برکت خویش همواره همچون سربازی فداکار از مرزهای اعتقادی اسلام و باورداشتهای تشیع پاسداری می‌کردند و اشکال تراشی‌های مغرضان را به بهترین وجه پاسخ می‌دادند. صبر و شکیبائی، حلم، توکل، ایمان محکم، دوراندیشی، زهد، و ارستگی، حاضر جوابی و لطیفه گوئی نیز از صفات بارز ایشان بود.

اخلاق ایشان در منزل

پیامبر(ص) فرمود: من کان عنده صبی فلیتصاب له

چونکه با کودک سروکارت فتاد هم زبان کودکی باید گشاد
آیت الله خادمی در سنین بالا نیز نوادگان خود را مشغول کرده و آنها را سرگرم می‌نمودند. لذا کودکان به ایشان علاقه خاصی داشتند.

ستایش علما و دانشمندان از آن فقید سعید

برای روشن تر شدن موقعیت علمی و مقام اجتماعی و علمی روانشاد آیت الله خادمی، به پاره‌ای از گفتارها و نوشتارهای بزرگان، مؤلفان و نویسندگان اشاره می‌کنیم:

مرحوم آیت الله آقا ضیاء الدین عراقی در اجازه اجتهادی که برای ایشان صادر کرده اند وی را چنین ستوده اند:

«جناب العالم العامل والفاضل الکلام عماد العلماء و سناد الاتقیاء علم الأعلام و ملاذ الانام الآغامیرزا محمد حسین الموسوی الاصبهانی...»

و مرحوم آیت الله شیخ محمد حسین غروی نائینی در اجازه اجتهادی که برای وی نوشته چنین می فرماید:

«فان جناب العالم الهمام العامل والفاضل العلم العلام صاحب القوة القویمة والسلیقة المستقیمة والنظر الثاقب والحسد الصائب الآغا حسین ادام الله تعالی افضاله و کثرفی العلماء العاملين امثاله...»

و مرحوم آیت الله شیخ محمد کاظم شیرازی در اجازه اجتهادی که جهت ایشان مرقوم داشته اند گویند:

«جناب العالم العلام والمهذب الهمام ثقة الاسلام الآغا میرزا محمد حسین الموسوی الاصبهانی دامت تأییداته»

و مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی در مدرک اجتهادی که به ایشان تقدیم داشته است می نویسد:

«السید السند والحبر المؤید العالم العامل والفاضل الکامل ثقة الاسلام ولدنا الاعز الاقا حسین الخادمی سلمه الله...»

و مرحوم آیت الله العظمی امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) در پیام تسلیت خود چنین نوشتند:

رحلت تأسف انگیز عالم عادل، متعهد و خدمتگزار به اسلام و مسلمین آقای حاج آقا حسین خادمی رحمت الله علیه، موجب تأثر و تأسف گردید. این عالم متقی به حق خادم صادق شریعت و حافظ حدود اسلام و سرمشق تقوی و علم و عمل برای دیگران بود و فقدان و رحلتش ثلمه بر اسلام و حوزه های علمیه بود. امثال این شخصیتها که یادگار سلف صالح و نمونه هائی از بزرگان علم و تقوی بودند، ذخیره هائی بوده و هستند که باید با جان و دل قدرشان را بدانیم و در حیات و مماتشان پیروی از شییره حسنة آنان کنیم.

شهید بزرگوار آیت الله سید محمد باقر صدر در صدر نامه های خود که به ایشان نوشته اند با احترام از این مرد بزرگ یاد می کنند. مثلا در نامه مورخه ۲۶ رجب ۱۳۹۵ ه. ق.

پس از بسم الله می نویسد: «سماحة آیت الله ابن العم المعظم الحاج آقا سید حسین موسوی دامت برکاته».

و عالم بزرگوار سید محمد صدر در نامه خود می نویسد:

«سیدی و شیخی و مولای کھف الوری و حصن التقی آیت الله خادمی دام ظلہ السلام علیکم ورحمہ الله وبرکاته».

رہبر اندیشمند انقلاب اسلامی حضرت آیت الله سیدعلی خامنہ ای در پیام خود فرمودند:

با تأسف خبر رحلت مرحوم آیت الله حاج آقا حسین خادمی اصفہانی رضوان الله علیہ را دریافت کردم. فقدان این عالم بزرگوار و شخصیت برجستہ فقہات، امت مسلمان و جامعہ محترم روحانیت را از وجود فقیہی خدمتگزار و وارستہ کہ خدمات علمی و دینی و اجتماعی و مجاہداتش از آغاز نہضت اسلامی ایران بہ رہبری امام امت تا پایان عمر مشہود عموم بود، محروم ساخت... اینجانب رحلت فقیہ بزرگوار را بہ پیشگاہ اقدس حضرت ولی عصر ارواحنا فداه حضرت امام امت و روحانیت معظم و مردم شجاع اصفہان و خاندان محترم آن مرحوم تسلیت گفتہ، علودرجات آن فقیہ سعیدہ را از درگاہ باری تعالی مسئلت دارم.

فرزندان معظم له

حضرت آیت الله خادمی دارای شش فرزند ذکور است کہ ذیلا از آنان نام می بریم:

- ۱ - سید محمد خادمی، مدیرکل جامع علوم انسانی
- ۲ - مهندس دکتر علی خادمی
- ۳ - دکتر سید محمدرضا خادمی رئیس دانشگاه اصفہان
- ۴ - محمد تقی خادمی استاد دانشگاه آزاد شهرکرد
- ۵ - حجت الاسلام حاج سید محمدعلی خادمی
- ۶ - ثقة الاسلام سید محمد مهدی خادمی.

غروب آفتاب

حضرت آیت الله خادمی پس از عمری خدمت صادقانه بہ اسلام و تلاش برای اعلای

کلمه حق بالأخره در روز دوشنبه ۲۰ اسفند ۱۳۶۳ برابر با جمادی الثانی ۱۴۰۵ ق برای همیشه چشم از جهان فرو بست و با رحلت خود ثلثه جبران ناپذیری در اسلام پدید آورد، به محض انتشار خبر رحلت او، اصفهان و حومه آن به حالت تعطیل درآمد و سه روز عزای عمومی اعلام شد و جسد مطهر آن فقید پس از تشییع با شکوهی به مشهد مقدس انتقال یافته و در جوار حضرت تا من الحجج علی بن موسی الرضا (ع) به خاک سپرده شد. از طرف علمای بزرگ و اقشار مختلف مردم در تمام شهرهای ایران مجالس یاد بودی برای وی برگزار گردید، سخنرانان و گویندگان مشهور مذهبی پیرامون شخصیت کم نظیر او سخنها راندند و شعرا در عزای او شعرهایی سرودند که نمونه ای از آن به عرض می‌رسد:

شجر علم و حلم وجود و سخا
گلشن علم را گل آفید
علم داده به او به حد کمال
گفت راضی شدم به حیّ زمن
بیت او بود درگه امداد
علما را نمود خانه نشین
خادمی، خادم شریعت بود
خادمی آن مفسر قرآن
لب به لبیک او زجان بگشود
تا رسد نزد مادرش زهرا

خادمی آن عصارة تقوا
خادمی آن مدرّس تسو حید
خادمی آن که ایزد متعال
آنکه از غافلان نهمت زن
خادمی آنکه درگه بیداد
در زمانی که ظالم از ره کین
بیت او پایگاه نهضت بود
در جوار رضا گرفت مکان
ارجعی چون شنید از معبود
درگذشت آن سلاله طه

و شاعر عرب نیز در ثنای او گفت:

الفقیه العادل الهادی الموالی ذالجلال
والصراط المستقیم الا وحدی السرمدی
واتّباع نائب المهدی وابن العسکری
سمى باسم الحسین الخادمی الموسوی
خلّد الله الحسین الخادمی فی التعمیم

اسمعی یا امة الاسلام وابکی فی ارتحال
انه من خادم الدین الحنیف الاحمدی
کان یوصی المؤمنین بالولاء الحیدری
کان من اعداء ظغیان النظام البهلوی
یسئل القدسی من الرحمان ذی العرش العظیم

اهم منابع و مأخذ

در این نوشته از یادداشتها و مدارک اختصاصی بیت معظم له بسیار استفاده

شده است.

مستدرک اعیان الشیعه ج ۱/۲۳.

آشنایی با حوزه های علمی شیعه ج ۱/.

نقباء البشر، قسم ثانی از جزء اول ص ۵۱۸ و قسم اول از جزء اول ص ۴۴ و ص ۳۱.

الذریعه ج ۱۱/۳۱۰.

مؤلفین کتب چاپی ج ۲/۳۱۰.

گنجینه دانشمندان ج ۳/۹۰.

جزوه واحد تبلیغات مسجد بهشت که به پاس حق شناسی از خدمات آیه الله خادمی

منتشر شد.

علمای بزرگ شیعه از کلینی تا خمینی ص ۵۴۰.

فقیه عالیقدر ج ۲/۳۷۶.

تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ج ۱/۲۸۸.

مجله مشکوة ش اول پاییز ۱۳۶۱، مقاله آقای رضا استادی.

یک مسافرت تاریخی، یک ماه در اصفهان، فرهنگ نخعی ص ۳ و ۴۷.

دائرة المعارف تشیع ج ۱.

یادواره نهضت اسلامی با چهره انقلاب در اصفهان از س-ح نوربخش.

جزوه ای به قلم شیخ مرتضی کیائی.

مجله مکتب اسلام.

روزنامه های رسالت ش ۵۲، سه شنبه ۲۰ اسفند ۱۳۶۴ ص ۸ و ش ۶۳۴ مورخه

۶۹/۱۲/۲۰. اطلاعات ش ۱۷۵۵۳ سه شنبه ۲۸ اسفند ۱۳۶۳ ص ۳.

